

باخترا امروز

مؤسس : شادروان دکتر حسین فاطمی
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

سال ششم - دوره چهارم

شماره ۶۷

شهریور ۱۳۵۴

هر شب ستاره ای بزمین میکشند و باز
این آسمان غمزده غرق ستاره هاست

گرانفروشی آریامهر؟

آریامهر گران میفروشد و آریامهر را گران میفروشد ، این هر دو جنبه هائی از يك قضیه اند

باش تا صبح دولتت بدمد

کتاب هنوز از نتایج سخن است

بحران ماهوی سرمایه‌داری است . سرمایه داری بدون بحران فقط زائیده پندار لیبرال‌های آرزومند و خرده بورژواهای مارکسیست‌نما است . و گرچه امروز این ادعا را کمتر از چند سال پیش میشنوییم چه بحران بالفعل جهانی سرمایه‌داری مجال چندانى برای این مدعیان باقی نمیگذارد . - مهندا هنوز این پندار بصورت اظهار شگفتی‌ها از اوضاع کنونی خود را ابراز می‌نماید .

پس از جنگ دوم جهانی ، قدرت‌مندی بسلامعارض امپریالیسم آمریکا در عرصه بازار سرمایه‌داری جهانی ، در کنار بوجود آمدن يك سلسله جدید تر پاره‌های آن غنک‌دهای این سیستم ، گسترش پدیده استعمار نو به کشورهای جهان سوم ، و عوامل و عناصر متعدد دیگر موجب شدند که بحرانهای اداری سرمایه‌داری موقتا تخفیف یابند . بطوریکه چشم های بی‌سلاحت بسهولت قادر به رؤیت آن‌ها نباشند . در اینجا مجال برای «شکاکین» فراهم آمد ، تا با ابداع تئوریهائی کسه صرفنظر از رنگ آنها همه ماهیتا راست ، بوند ، در اجتناب ناپذیری بحران‌زود تردید کنند و مدعی شوند که سرمایه‌داری قادر شده است با تنظیم تولید و مصرف ، این نقصان بنیادی را برطرف کند . بحران چندساله سرمایه‌داری جهانی تمام این تئوریهائی نوساخته را مانند حیابی ترکند و مدعیان را خاموش کرد . در ایران جز این مینماید .

نیمه اول سال ۵۲ بحران شدید اقتصادی (که پس از بحران ۲۹ - ۴۲ دومین بحران بزرگ کلاسیک سرمایه‌داری ایران بود) ارکان جامعه را لرزاند . سبیل ورشکستگیها و بیخانمانی ما وضع رژیم را دچار ناپساامانی کرد اعتراضات کارگری که چند سالی بطور نامرتبه و پراکنده وجود داشتند ، تحت تاثیر استعمار شدید و بحران اقتصادی حاکم و تحركات سیاسی شدیدی که در جامعه در اثر چارزده مسلحانه ایجاد شده بود ، اوج یافتند و برای رژیم آینده خوفناکی را ترسیم میکردند . در چنین زمانی بود که ناگهان درآمد نفتی ایران در اثر ازیاد استخراج و قیمت ، از سیلی معادل کمتر از ۲ میلیارد دلار سالانه به بیش از ۲۰ میلیارد دلار در سال رسید . امکانات فوق‌العاده جدیدی در عرصه داخلی و خارجی برای رژیم ایران فراهم آورد .

کسانی که ماهیت سیستم سرمایه‌داری و عملکرد رژیم ایران را خوب می‌شناختند از همان زمان میدانستند که رژیم سرمیرنده و بی کلیاتت ایران قادر نخواهد بود که از این امکانات فوق‌العاده ، بیش از رفیع و رجوع موقت و حداقلی پاره‌ای از فوری‌ترین مشکلات خود ، و برعکس یاری رساندن هرچه بیشتر به غارت امپریالیستی در منطقه ، استفاده‌ای ببرد . آنها میدانستند که مساله اساسی کمیت وجوه موجود نیست بلکه نحوه استفاده از آن است ، و بی کلیاتی و سرمیرندگی رژیم ایران باعث خواهد شد که قسمت اعظم این وجوه اتلاف شوند یا به قشر بسیار نازکی تعلق گیرد و گرمی از مشکلات توده‌های عظیم خلق کشوره نشود .

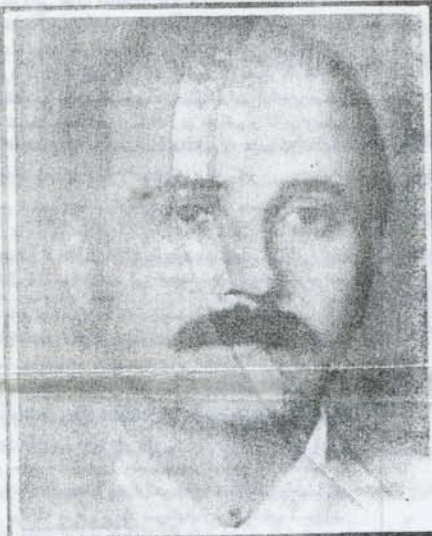
واقعیت حتی از این هم بدتر بود . مخارج نظامی ایران نه تنها بالا رفت ، بلکه جهش غیر قابل تصویری به ماوراء مرز ده میلیارد دلار در سال کرد . درآمد نفتی به حد مورد انتظار نرسید و سال گذشته در حد ۱۶ میلیارد دلار توقف نمود . زدوبندها و بلند پروازیهای شاهانه خزانه را تهی کرد تا آنجا کسه رژیم مجبور شد حتمی پاره‌ای از برنامه‌های را که در نظر داشت ملغی کند و برای امکان ادامه پاره‌ای دیگر از برنامه‌ها به گرفتن وام متوسل شود . امکانات فوق‌العاده مالی تنها کاری که کرد تعمیق شکاف عظیم بین اکثریت تحت ستم خلق و اقلیت مرفه بود . و نیز تشدید رقابت‌ها و تضادهای درونی طبقه حاکمه در مسابقه برای تصرف بخش هر چه بزرگ تر این ثروت ، و تشدید رقابت‌های نیروهای مختلف امپریالیستی و نیز جنجاف های مختلف امپریالیسم حاکم آمریکا ، برای تصرف همین ثروت . تهران بصورت مرکز چپاول ، محل تلاقی نمایندگان هزاران موسسه کوچک و بزرگ از کشورهای مختلف شد و هر کس از این نمذ کلامی برای خود میدرخت . نقل قول‌هایی از این بازرگانان سوداگر که نشانده وفور نعمت ، در مطبوعات ایران همراه با تفاخسر می‌آمد برآستی شرم انگیز بود .

بقیه در صفحه ۲

اخبار

در شماره ۶۵ باختر امروز خبر شهادت ۳ رفیق علی‌اکبر جعفری (فریدون) ، حبیب الله مومنی و جعفر شجاع ساداتی درج گردید . و قرار بود در شماره‌های دیگر ، در مورد چگونگی شهادت این رفقا که خلاف ادعای رژیم بود توضیح داده شود . اخبار رسیده حاکی است که مبارز شهید جعفر شجاع ساداتی از اعضای سازمان چریکهای فدائیی خلق نبود و رفیق حبیب‌الله مومنی چند روز قبل از شهادت رفیق علی‌اکبر جعفری برای انجام ماموریتی از پایگاه خارج شده و دیگر بر نگشته است و احتمال دارد رفیق زنده بدست دشمن اسیر شده باشد . در اینجا خبر شهادت رفیق علی‌اکبر جعفری را به نقل از نبرد خلق شماره ۶ ذکر میکنیم :

در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۵۴ یکی از بهترین رزمندگان سازمان ما در جین اجرای يك ماموریت سازمانی بر اثر يك حادثه رانندگی در جاده قوچان - مشهد شهادت رسید . رفیق جعفری در حالیکه چند ساعت پس از نیمه شب در حال حرکت بسمت محل ماموریت خود بود و شخصاً رانندگی اتومبیل را بر عهده داشت بر اثر خستگی شدید ناشی از فعالیت‌های بسیارش در پشت فرمان اتومبیل بخواب رفت و همین امر باعث شد که اتومبیل زمانی که وی رانندگیش را بر عهده داشت با يك اتومبیل وانت تصادف کند . بر اثر این تصادف رفیق جعفری در دم کشته میشود و رفیق دیگری که در عقب اتومبیل مشغول استراحت بوده است جراحات اندکی برداشته ولی دچار ضربه مغزی و حسالت نسبیان و فراموشی می‌شود . ولی جالب توجه اینکه رفیق ما حتی در حالت نسبیان ناشی از ضربه مغزی وظیفه چریکی خود را فراموش نکرده و بطور عزیزانی تمام موجودی اسلحه و مهمات انفرادی رفیق جعفری را از کمر وی باز کرده و محتویات جیبهای رفیق را نیز کاملاً از هر نوع سند و مدرکی خالی



چریک فدائیی خلق رفیق محمد علی خسروی اردبیلی

چریک فدائیی خلق رفیق محمد علی خسروی اردبیلی برای خلقهای جهان و پیوند بین آنها شوری جاودانه و شوقی حماسی داشت ، در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۵۴ در يك عرصه از نبرد منطقه شهادت رسید و آخرین حماسه خود را آفرید . یاد این رفیق کبیر سواره پر درخششی خواهد بود که همواره در کرانه‌های شگوهمند وحدت خلقها میدرخشد . خاطره‌اش عزیز و واغش جداوانی باد ، نمونه‌اش سرمشق و صفایش الهامبخش ما باد

میکند و سپس از صحنه تصادف دور شده و خود را به یکی از بناگاهها می‌رساند در حالیکه از حادثه تصادف و چگونگی چریکات فقط بازگشتش به بارگاه را بخاطر میآورده است . تخلیه مدارک جیبهای رفیق جعفری دشمن را در تعیین هویت رفیق دچار اشکال میسازد . بهر حال پس از چند روز دشمن موفق به کشف هویت رفیق می‌شود و بدینال ان اعلام میدارد که رفیق جعفری در يك تخریبی مسلحانه شهادت رسیده و موجودی اسلحه و مهماتش بدست دشمن افتاده است . قابل توجه اینکه دشمن از هر حادثه‌ای حتی حادثه تصادف رانندگی چریکها برای بالا بردن روحیه کادرهای خود استفاده میکند و در شرایطی که غالب مردم آگاه جامعه از جریان تصادف رفیق جعفری مطلع بوده‌اند ماجرا را بصورت يك درگیری مسلحانه منهدس نموده و اعلام کرد که اسلحه و مهمات رفیق را ضبط کرده است در حالیکه اسلحه رفیق هم اکنون در سازمان ما مورد استفاده سایر رزمندگان سازمان قرار دارد . بهرحال بار دیگر ضعف و زبونی دشمن علیرغم نیرنگها و دستاویزهای مسخره‌اش برملا گردید و دشمن رسوا را رسوات کرد .

بوشهر - در تاریخ ۲۴ یا ۲۵ اردیبهشت ماه سال جاری با بیورش گارد مسلح به دانشسرای قدیماتی بوشهر سی و هشت نفر از محصلین این دانشسره که همگی از روستای دهستان لایری بودند بازداشت گردیدند دستگیری این

بقیه در صفحه ۳

این حق مسلم توده‌هاست که خشونت پمپریاسم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

بقیه گزارش‌های ...

رادیو و مطبوعات ایران با وقاحت تمام از اظهارات این چپاولگران بین المللی در باز بودن دروازه‌های پول بر روی هر کس و ناکسی، اظهار خرسندی میکردند و بسان تمیزه دارانی بودند که ارتبه متوفی را برای غارت آزاد گذاشته‌اند و تراکم و هجوم غارتگران را نشانه تمیز جسد نمی‌ماندند. الاغ صاحب مرده ثروت که از پوزه تا دمش درید مروت رویاه و شمال و سگهای ولگرد افتاده بود، و طبیعی بود که اگر بین رویاهان و سگان جدال نمی‌افتاد تمجب آور می‌بود و نه وقوع جدال.

رژیم اینها همه را طبعاً بحساب ضروریات پیشرفت اقتصادی می‌گذاشت و بر او هم حرجی نیست. ولی باز در گوشه و کنار عناصری پیدا میشوند که بی‌چیره و مواجب و تحت برداشت‌های مرود و مغلوب از پیشرفت، این «حرکات» را بنوعی توجیه میکنند، و البته برای اینکه یکجا حرف رژیم را تأیید نکرده باشند آنرا را با چند «اما» و «ولی» مشروط مینمودند. آنها تحت این عناوین که «بالاخره صنعتی

کردن به مهندس و تکنیسین احتیاج دارد» و «که باید از دانش و کاردانی غرب استفاده کرد» که «سوسیالیسم باید از ممبر کاپیتالیسم بگیرد». هنگی متعذرین سیاست‌های رژیم بودند، و تنها ناراحتیشان اینکه خود سهمی نبرده‌اند. وجود میالغ منگفت پول یاد آورده در دست یک اقلیت، توسعه بی‌تناسب «خدمات» و مشاغل غیر تولیدی و نیز وابستگی شدید به بازار سرمایه‌داری جهانی و تأثیر پذیری از اوچ و اف‌های آن، باعث تشدید تورم به حدی که تحمل آن برای خلق غیر ممکن شده بود.

بدین ترتیب انمکاس وضع بحرانی عمومی جهان سرمایه‌داری در بخشی از آن یعنی ایران، در کنار عدم موازنه پول در گردش و کالای موجود در ایران بدلائل خاص خود، دلائل کلاسیک تشدید فوق‌العاده تورم بودند. ولی در

عین حال باید توجه داشت که در بحران کنونی سرمایه‌داری، پیچیده‌شدن بسیار مسائل اقتصادی و تأثیر و تاثرات متقابل بیشمار بین پیوندهای اقتصادی، ملاحظاتی و مانده‌های سیاسی و دیپلماتیک، باعث شده‌اند که برخلاف شکل کلاسیک آن، تورم پایبای رخود اقتصادی و افزایش بیکاری پیش‌رود و مشکلات خلق را مضاعف کند. این وضع جدید، یعنی ترکیب دو جنبه متصوراً متباین‌پدیده نوظهور استگفلیشن (رکودتورمی) - یعنی بحران دوچانی، بزرگترین تودهنی به کسانی بود که مدعی بودند سرمایه‌داری با تنظیم تولید و مصرف مشکل بحران را برای همیشه حل‌کرده است!

مهمذا در ایران هنوز رکود تورمی در چهره ویژه آن، بصورت ازبید بیکاری نسبت به گذشته، وجود ندارد.

قسمتی از آن بخاطر گسترش نسبی بازار داخلی و خارجی ایران است و قسمتی بخاطر اینکه در ایران بیکاری آشکار و پنهان و کم‌کاری (که خود وجهی دیگر از همین مسئله

است) از سابق بشدت وجود داشته است و لذا ازبید آشکار بیکاری نیاز به فرصت بیشتری دارد. علاوه بر این خرج میالغ هنگفت پول در اجرای پاره‌ای از برنامه‌های رژیم (دعمرانی و نظامی)، که گرچه تولیدی نیستند ولی اشتغال زا هستند، در تعویق ازبید بیکاری مؤثر بوده است.

پدیدهی است که رژیم این برنامه‌ها را نه بخاطر ایجاد اشتغال متقبل شده است و نه بخاطر عمران آنها همانطور که در گذشته مکرراً نشان داده‌ایم برنامه‌هایی هستند در جهت ایجاد و تقویت پایگاه امپریالیسم در منطقه با بقول شاه قدرت بزرگ

پنجم (بخوانید چرخ پنجم اریه) جهان شدن. انگسر برای خرده‌بورژوازی آرزومند صعود بدانه بورژوازی بزرگ رویانی است که آرام و قرار را از او میگیرد، برای خرده امپریالیسم نیز داشتن چنین آرزویی، طبیعی است.

رژیم مصیبت زده ایران برای هر یک از عوارض این تورم چاره‌اندیشید. ولی چون، متأسفانه از نظر رژیم ایران، قوانین اقتصادی تابع اوامر ملوکانه نیستند، هر یک از این تدابیر به ضد خود تبدیل شدند، بنحوی که وضع رژیم ایران اکنون از نظر اقتصادی و سیاسی بمراتب از گذشته بحرانی تر شده است.

ما در گذشته (مقاله و رشکستگسی سیاسی در کنار غنای مادی) عواملی که منجر به تشکیل‌حزب رستاخیز شد را شمردیم و ذکر کرده‌ام که رژیم بدون توجه به وضع نا بسامان، اکثریت عظیم خلق تلاش میکند که قشر مرفه موجود را بسنج نماید و در عین حال تضادهای درونی طبقه حاکمه، انمکاس

چرا ستارگان نظامی آمریکا را اعدام کردیم؟

این دو مستشار مدمم از جمله بیست هزار نظامی تجاوز آمریکائی بودند که اینک در زمین ما به کیدن خون مردم زحمتکش ما و حفظ و حراست رژیم دیکتاتوری شاه جنایتکار مشغولند. و مخفیانه سرکوب خونین و خفقان بی حدی را که از طرف دستگاههای پلیس - نظامی شاه بر خلق ما اعمال میشود، رهبری می کنند.

اعدام این سرمنگان امپریالیست آمریکائی مخصوصاً به انتقام خون و فرزند دلاور خلق: شهید محمد چیرانزاد شهید احمد جلیل افشار، شهید هنر ز سرمدی، شهید بیژن جزئی، شهید حسن ضیاء طریقی و شهید کاظم نوانسوار شهید مصطفی جوان خوشدل، شهید شمعوق کلانتری و شهید عباس سرکی صورت گرفت این انقلابیون که هر یک از اسال-ها پیش در زندان و در اسارت جلادان شاه قرار داشتند. در روز ۳۰ فروردین ۵۴ بعد از تحمل شکنجه های وحشیانه در مخیمات ساواک - شهرمانی بدستور شاه خونخوار، این نوکر سرسپرده امپریالیستهای آمریکائی، با دستهای بسته هدف رگبار سلسلهای آمریکائی - اسرائیلی قرار گرفتند و آنگاه پلیس وحشی شاه بیشرمانه ادها کرد که آنها در حال فرار کشته شدند.

اعدام این دو آمریکائی تجاوزکار از طرف سازمان ما پاسخ روشن و برکت ناپذیر خلق رنج‌دیده و زیر ستم ما است به دیکتاتوری سیاه رژیم پهلوی، پاسخ آشکار است به رژیم دست نشانده و اربابان آمریکائی او، که دیگر غارتگرها و ظلم و ستم بی حد آنها تحمل نخواهد شد. این عطیات نشان داد که خلق ما بهیچ وجه در مقابل فشار و وحشیانه و شکنجه های حیوان صفتانه ای که بر هزاران رزنده اسیر در سیاحالهای ساواک و شهرمانی وارد میشود ساکت نخواهند نشست خلق ما تحمل نخواهد کرد که بهترین فرزندان مبارزش هر روز به بهانه ای بعد از شکنجه های طولانی و مستمر به رگبار مسلسل بسته شوند تا امپریالیستهای آمریکائی و نوکران درباری آنها با خیال راحت به چارول و غارت ایران بپردازند. اینک خلق ما در زیر رگبار سلسلهای آمریکائی رژیم، در زیر ضربات شلاق سازمان امنیت شاه و در زیر ظلم و استعمار بی حد امپریالیستهای آمریکائی و نوکران داخلی آنها ناله تنگید، او پیکر خونین خویش را بلند میکند و سلاح بر دوش میگرد خلق ما راه بدست آوردن آزادی راضی که خلق کبیر وینتام و کامیج و لائوس پیروز شده اند پیونده اند، یعنی راه قرار دادن قهر انقلابی در مقابل قهر ضد انقلابی، قرار دادن قدرت انقلاب در مقابل قدرت ضد انقلاب و پیش رفتن تا نابودی کامل دشمن را بخصی آموخته است.

عکس العمل دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه چه بود؟

پس از اعدام این دو مستشار رژیم که از جهات متعدد تحت فشار قرار گرفته بود علیهم تلاش های فراوان نتوانست بشیوه معمولتر، یعنی تولد سکوت ادامه دهد.

تبلیغاتی هاء، شاه یعنی صانهای که غیر اعدام رئیس کمیته مشترک ساواک - شهرمانی سر تپ زندی پور را - تنها در چند سطرو به شکلی تحقیر آمیز در صفحه حوادث نوشته بودند اینبار ناچار شدند تمام دستگاه دروغ پرانگی تبلیغاتییشان را بکار اندازند تا بخیال خودشان با تعریف جریانات از تأثیرات وسیع این عمل انقلابی بگویند. شاه اکنون در مقابل ارباب رطم خورده و لایه و زاری افتاده و دانش قول دستگیر کردن انقلابیون را میدهد و وانمود میکند که عطیات اخیر تنها توسط چهار نفر صورت گرفته که صوت آنها نیز شناخته شده و دسین روزها دستگیر خواهند شد. این عکس العمل ضدبوهانه بار دیگر از یک طرف آشکارا، مخفیان تبلیغاتی رژیم را به نمایش گذارد و از طرف دیگر نشان داد که چگونه شاه که حاضر است به جسد خدشتاران گاسه لیش چون سر تپ زندی پور مانند سگ مرده لگد بزند مجبور است در مقابل اربابان آمریکائی اش جنازه سرمنگان را بر سر بگذارد و از آنها بخاطر خدشهای فراوانی که کرده اند تجلیل بعمل آورد.

بقیه در صفحه ۳

تضادهای جناح های رقیب امپریالیسم سرکرده را، بنفع خود و جناح امپریالیستی حامی خود حل کند، و بخیال خود با بسنج ضد خلق، پایه‌ای، تودهای، در خدمت اهداف خود بسازد. ولی این مضحکه نه‌تنها برای زندگی خلق را در نظر میگرفت و نه قانونمندی‌های تضارهای اقتصادی درونی طبقه حاکمه را، مانند هر طرح پند لورلود دیگر از ابتدا محکوم به شکست بود. نه خلق فریب آنرا خورد و نه جناح های رقیب دست از رقابت برداشتند. فاشیسم شاه نیز مانند هر پدیده آریامهری دیگر، بی کفایتی خود را زودتر از انتظار بروز داد و لاجرم افتاد و تدابیر، جدید ضروری شد.

واقعت شرایط اقتصادی از یک جانب خشم توده‌ها را باعث میشد و از جانب دیگر تلاش جناح های مختلف سرمایه داری را برای تخصیص قسمت هر چه بیشتری از ثروت بخود تشدید میکرد. طبقه حاکمه در عین حفظ وحدت خود در مبارزه علیه خلق، نمیتوانست از تشدید تضاد درونی خود ممانعت کند ثروتی که برای غارت گسترده بود بزرگتر از آن بود که مجال دوراندیشی به کسی بدهد. انحصارات مختلف در سود اندوزی و سوداگری به‌مدتی گستاخانه پیش رفتند که «دوراندیشان

رژیم با پیش بینی خطرات جدی برای سیستم بوحشت افتادند در اینجاست که دولت بمثابه و وجدان آگاه سرمایه‌داری و تنظیم کننده موقت روابط درونی آن افتاد موازینی را ضروری میشمارد و اقدامات جدیدی را شروع میکند. بسهولت دیده میشود که انمکاس بحران سرمایه داری و تورم جهانی در ایران، در کنار اسرافهای غیر تولیدی در داخل باضافه رقابت های درونی جناح‌های سرمایه داری وضع اکثریت توده را به چنان نقطه ای رسانده‌است که تحمل آن مشکل بنظر میرسد. باید چاره‌ای اندیشید و این چاره در سیستم آریامهری توده پیداشد.

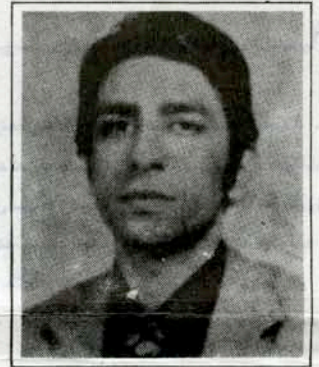
برای اینکه نشان دهیم که تدابیر رژیم از کجا نشات میگیرد باید قدری به عقب باز گردیم. هنگامی که روابط تولیدی فنودالی در ایران جای خود را به روابط سرمایه‌داری میداد، طبقه فنودال بضاظر عقب ماندگی تاریخی خود به اکراه در این مسیر حرکت میکرد، و حتی گاهگاه مقاومت‌های جدی از خود نشان میداد. این مقاومت‌ها گرچه در قیاس با مقاومت تاریخی بقیه در صفحه ۴

بقیه اخبار

محصلین در ارتباط با یکی از روحانیون مبارز با نام آقای توکلی بوده که از شش ماه قبل از قم به بندر نیلم که در مجاورت دهستان لیراوی قرار دارد، تبعید شده است. این مبارز روحانی در تبعید نیز دست از فعالیت‌های ضد رژیم خویش برنداشته بود و کتابها و جزوات انقلابی را بین روستازادگان لیراوی هنگامیکه ایام تعطیل خود را در روستا میگذرانند توزیع مینموده است. پس از بازداشت سی و هشت تن از محصلین دانشسرای قدیماتی بوشهر آقای توکلی نیز توسط پلیس دستگیر گردید.

در نتیجه درگیری‌هایی که در مشهد بین پلیس و انقلابیون پیش میاید دو مجاهد بنامهای علی اصغر نورس و سید کاظم منی شهید می شوند. مجاهد عبدالله امینی (برادر قاضی امینی مجاهد اسمیر) پس از زخمی که طی درگیری بوده است و پس از چند ساعت جنگ و گریز دستگیر می شود. مجاهد دیگر بتول فقیه زلفی نیز دستگیر می شود. تفصیلات واقعه پس از روشن شدن باطالع عموم خواهد رسید.

مجاهد وحید افراخته و مجاهد مسن خاموشی در تهران دستگیر شدند چگونه دستگیری آنها بدستی معلوم نیست احتمالاً پس از خیانت مرفعی صمیمی لیاقت آندو مجاهد به پلیس معرفی شده باشند.



مجاهد خلق وحید افراخته

پس از اعدام انقلابی دو مستشار نظامی آمریکا در تهران، بمب نیرومندی توسط سازمان مجاهدین خلق ایران بمناصب ۱۵ خرداد در انجمن ایران و آمریکا در مشهد کار گذارده شده بود که در ساعت ۴/۵ صبح منفجر شد و خسارات زیادی بوجود آورد.

رژیم جنایتکار یکبار دیگر با یورش به خانواده‌های انقلابیون حمایت یلید هند انسانی خود را آشکار کرد. ظرف چند ماه گذشته مأمورین رژیم خهران و مادران تعداد زیادی از انقلابیون شهید و ترید را دستگیر کرده‌اند. خواهران

و مادران رضائی‌ها مجاهدین قهرمان شهید و مادر مجاهد حسن کبیری، ممد مجاهد محمد مصمدی، مادر مجاهد بین امینی از این جمله‌اند. آخرین خیر رسیده حاکی است که مادر چریک فدائی خلق رفیق اشرف دهقان نیز دستگیر شده است. محمد دهقانی، برادر پهلوی و اشرف با وجودی که مدت محکومیتش (۴ سال) را گذرانده است همچنان در

زندان نگاه داشته شده است، مقاومت، صداقت و جسارت خانواده‌های مبارزین سیاسی نمونه‌بخشانی از مبارزات خلق ماست.

نمود بر آنان باد.

تاریخ ۳۰ تیر بمب نیرومندی از طرف سازمان مجاهدین خلق در کنسولگری انگلیس در مشهد منفجر شد که عکس العمل بسیار مساعی در میان مردم داشت.

در دو ماه گذشته چند تن از مجاهدین بنامهای مهدی غیوران، منیره اشرفزاده کرمانی و عده‌ای از کسانی که در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق بوده‌اند دستگیر شده‌اند.

تبریز - در خردادماه سال جاری اعتصاب دانشجویان دانشگاه تبریز برای اعتراض به بالابردن حد نصاب معدل گیسانس منجر به حمله دانشجویان به سف سف سرویس و شکستن شیشه‌های در و پنجره دانشگاه گردید. دانشجویان طبق معمول اعتصابهای سالهای اخیر دانشگاه تبریز، این

رژیم شاه خائن بار شکست امپریالیزم آمریکا را در هند و چین

بر روش خلقهای منطقه تحصیل میکند

امپریالیستهای جنایتکار آمریکائی که به دنبال شکست های متضانه و خرد کننده ای در ویتنام، کامبوج و لاوس از جنوب شرقی آسیا اخراج شده اند اکنون قصد دارند با تحکیم رژیم های ارتجاعی و وابسته در غرب آسیا مخصوصا با تحکیم موقعیت رژیم ارتجاعی شاه خائن در ایران موضع سلطه طلبانه و غارتگرانه خود را در خلیج فارس و اقیانوس هند حفظ کنند. از نظر امپریالیستها منطقه خلیج و اقیانوس هند هم بدلیل اوچگیری مبارزات انقلابی خلقهای آن و انعکاس ضربه سرکسرا بر هندوچین به امپریالیزم در این قسمت از آسیا و هم بدلیل وابستگی روزافزونی که اقتصاد بحران زده سرپایه داری جهانی به نخاع عظیم زیر زمینی و سرود ناشی از استثمار وحشیانه خلقهای این منطقه دارد. هر روز بیش از پیش اهمیت ویژه ای - یابد. بدین جهات از هم اکنون و در آینده عده فشار امپریالیستی بر آسیا بر این نقطه حساس وارد خواهد شد. اما فشار نیروهای ضد امپریالیستی در سطح جهانی و ضرباتی که امپریالیزم از مبارزات انقلابی خلقهای تحت ستم مخصوصا از ضربه وحشتناک و کاری ویتنام و کامبوج دریافت کرده همچنین اوچگیری و تشدید بحرانهای اقتصادی - سیاسی - اجتماعی درونی آمریکا، امپریالیستهای آمریکائی را اینک در وضع بسیار اسفناک و نومید کننده ای قرار داده است. آنها می بینند که در سرازیر سقوط افتاده اند و سرنوشت صییت پار امپراطوری غدار انگلستان اینک در انتظار آنهاست. آنها از قسمت مهبی از آسیای مرکزی و شرقی (چین و ویتنام...) بدشت اخراج شده‌اند در حالیکه در آسیای غربی، در خاورمیانه و منطقه اقیانوس هند نیز مقاومت انقلابی خلقها علیه آنها شدت گرفته است. در چنین شرایطی است که امپریالیستها نتوانند دیگر جرئت و توانایی یک دخالت مستقیم نظامی را در این منطقه یعنی آسیای باختری در خود نبینند.

مقاومت انقلابی و پیروزی پر شکوه خلق های ویتنام کامبوج و لاوس ظاهرا در سهای شکننده ای به امپریالیستهای آمریکائی داده است. امپریالیستها ظاهرا فهمیده اند که خلق های اینسوی آسیا گورستان بسیار بزرگتری برای آنها آماده کرده‌اند از این نظر سعی دارند این بار دست نشاندهگان منطقه‌ای خود را که تا دندان مسلح کرده اند به پیشواز چنین سرنوشتی بفرستند. درین میان رژیم مزدور شاه جنایتکار برای سرکوب هر چه خونین تر انقلابات داخلی و مبارزات صلحانه او ج - کیرنده خلق ایران و همچنین برای ایفای نقش وانداری در منطقه و سرکوب جنبش های انقلابی خلق های انقلابی خلیج - ظفار - بلوچستان و... استعدادهای شگرفی از خود بروز میدهد! این استعداد از یک طرف ناشی از تضایات ماجسرا جویانه و سلطه طلبانه سرمایه داری حاکم ایران و خواست درونی او برای ایفای یک نقش امپریالیستی در منطقه است و از طرف دیگر به شدت تحت تاثیر سرسپردگی و وابستگی این رژیم به امپریالیزم آمریکا قرار دارد. با این توضیح از یک طرف حرص و آرزوی انزوی شاه برای حراج بیشتر نفت و به دست آوردن پول بیشتر و از طرف دیگر شتاب او برای پای بوسی اربابسان آمریکا، تأکید رژیم از "اداره رهبری آمریکا در جهان" مخصوصا در شرایطی که سقوط سلگان هم زنجیرش لوب نول و وان نیو در کامبوج و ویتنام او را بدشت از وضع ضابطی در ایران وحشت زده کرده است. معنای اصلی خویش را پیدا میکند. بدین ترتیب امپریالیستها در وجود شاه خائن سگ و غاداری را می بینند که متواند بخشی و تا مدتها ضایع آثار را در منطقه حراست کند. و شاه نیز در وجود امپریالیستهای آمریکائی، این اربابان قدرتمند قدیمی پشتیبانانی را می یابد که حاضرند او را تا دندان مسلح کنند و به جان خلقهای منطقه بیندازند. ایجاد و رهبری سازبان سرکوب پلیس و ارتش در ایران توسط مستشاران و جاسوسان جنایتکار آمریکائی یعنی همان کسانی که میلیون ها تن از مردم بیگناه هندوچین را زیر رگبار مسلسل های خود کار و با بمبارانهای جهشی خود تکه پاره میگردند، و همچنین فرستادن ریحارد هلمز ایمن جاسوس و آدکس بین المللی رهبر سابق سازبان جاییوسی آمریکا (سیا) بعنوان سفیر در ایران جزئی از همین نقشه مزورانه یعنی تبدیل رژیم ایران به قدرت مسلط منطقه برای پاسداری منافع امپریالیزم آمریکا بشمار میروند. بدین

بقیه در صفحه ۴

اعتصاب را نیز به شهر کشاندند. در شهر دانشجویان شروع به دادن شعار نموده و شیشه بانکها را میشکستند در این جریان مردم نیز با آنان همکاری میکردند. برای جلوگیری از گسترش اعتصاب و آگاه شدن مردم از این واقعه استنادار تبریز با ماشینی در خیابانهای مربوطه از پشت پلندنگر دانشجویان و مردم را از اعتصاب باز میداشتند و از دانشجویان خواهش میکرد که به دانشگاه برگردند و در آنجا اعتصاب نمایند. در این بین پلیس مسلح به دانشجویان حمله برده و زد و خورد شدیدی بین دانشجویان و پلیس در گرفت که در این زد و خورد احتمالاً دو سه نفر از دانشجویان کشته شدند و عده‌ای از افراد پلیس زخمی گشته‌اند. دانشگاه تبریز بعد از این واقعه بسته شد.

دانشگاه صنعتی - در تاریخ ۵۴/۳/۱۲ دانشجویان مبارز این دانشگاه برای برهم زدن یک برنامه موسیقی جاز که از طرف عوامل رژیم در آمفی تاتر این دانشگاه بمدت سه روز ترتیب داده شده بود وارد آمفی تاتر شده و شعارهای باین مضمون میدهند، «اتحاد، مبارزه، پیروزی»، «مرک بر این فرهنگ استعماری»، «مرک بر این حکومت فاشیستی» و با شکستن تعدادی از وسایل موسیقی، جلسه موسیقی را ختم میکنند. بعد از اینکار دانشجویان بطرف خوابگاه رفته و شیشه‌های آنجا را نیز میشکند. سپس متفرق میشوند بعد از این جیبی گارد مسلح سر میرسد ولی نمیتواند عکس العملی نشان بدهد، گفته میشود که خسارت وارده به دانشگاه ۱۰۰ الی ۱۵۰ هزار تومان است.

جاودانه باد راه شکوهمند فرزندان قهرمان خلق

بقیه گرانفروشی...

کلاسیک نفوذ الیسم در مقابل سرمایه داری در غرب - بطل شرایط ویژه ایران - بسویار کمتر بود (شکل خاص نفوذ الیسم در ایران ، نقش کاتالیزوری امپریالیسم و تجربه تاریخی سرمایه داری) ، مومدا بطور پراکنده تا هنگام هنوز نتوانسته بودند ارجحیت نظام سرمایه داری را از نظر ازیاد منافع خود درک کنند ، ولی در حالی که فتوالهای کندذهنی نشان میدادند ، عناصر دیگری در جامعه بودند که توانائی آنها داشتند که مقتضیات زمانه را با سرعت درک کنند و بپاداش آن پتان ثروتی بهم زند که فتوالها حتی خواب آنها هم نمیدیدند . ناصری مانند ثابت پاسالها ، القانیانها ، اخوانها ، همدانی راضیها ها از این زمره اند . اینان یگفته مارکس همان ه م ای قرون وسطایی ه بودند که فرصت تاریخی خود را یافته بودند ، اینان از زمره همان پورگرهای قرون وسطی ه جدا از طبقه فتوال ه بودند که تاریخاً نقش بزرگی را در بوجود آوردن و تکامل سرمایه داری بازی کرده بودند . در ایران نیز باهمه تفاوتها ، حرکت این عناصر در خطی کم و بیش مشابه انجام گرفت - شگفت آور نیست که ثابت پاسالها و القانیانها و ... به همدان سهیوینسم جهانی و به آن جناح از انحصارات جهانی سرمایه داری (بخش غیر نظامی) تعلق دارند که منافعتشان با منافع سهیوینسمها یکی است . برای کسب امتیاز فی الملل پیسی کولا و تلویزیون آر - سی - ۱ ، احتیاج به سرمایه اولیه ، موشیاری و از آن مهمتر ارتباطات بین المللی است ، و اینها را ثابت پاسال نامی زودتر فراهم میکند تا فتودالی عقب مانده ، بدون ارتباط جهانی و بی سرمایه (بسا ثروتی که هنوز به سرمایه تبدیل نشده بود) ، هنگامی که ثابت پاسالها کارخانه پیسی کولا وارد میکردند ، فتوالها و بورژوا های مومنی خود را قادر به برابری نمیدیدند و توده نا آگاه نیز بدون اینکه به درستی معنی و مسیر حرکت جامعه را تشخیص دهد ، منافقانه پیسی کولا را بعنوان اینکه صاحب آن جهودی است که بهائی شده ، نجس میشورد و تحریم میکند (و البته کز کاکولا هم از موقیعت استفاده کرد و با گرفتن فتوری از چند معتقد بالای درب مساجد نوشت « پیسی کولا حرام است کز کولا پیوشید ! ») این نادانیها همانقدر که رفت انگیز است همان اندازه نیز معرف احساس گنک و میهم و ناخود آگاه خلق ، و مقاومتی است که نیروهای سنتی جامعه در مقابل بدلت این تازه واردین از خود نشان میدادند . مقاومتی نا آگاهانه بدون شناخت دقیق ، خلاف مسیر حرکت جامعه ، و لاجرم محکوم به شکست .

ولی این وضع باید به پیش میرفت . جناح انحصارات غیر نظامی امپریالیسم آمریکا که این حرکت را در ایران علیرغم تمایل فتوالها (و دربار ایران در راس آنها) تشدید کرده بود ، جناحی که باند امینی را علیرغم شاه بر سر کار آورده بود ، به گسترش برنامه های خود ادامه داد ، مواضع جدیدی را فتح کرد و بالاخره فتودال عقب مانده را طوعا و کرها وادار به پذیرفتن واقیعات ه نمود . در اینجا بود که عقب ماندگان سراسیمه به میدان آمدند و بسیاری از مواضع را اشغال شده یافتند . مبارزه این عقب ماندگان موشیار شده ، این همزار فامیل اصل و نسب دار(۱) ، باییش افتادگان موشیار بی اصل و نسب ، ضمون مبارزه درونی طبقه حاکمه در دو دهه گذشته است .

ولی این وضع باید به پیش میرفت . جناح انحصارات غیر نظامی امپریالیسم آمریکا که این حرکت را در ایران علیرغم تمایل فتوالها (و دربار ایران در راس آنها) تشدید کرده بود ، جناحی که باند امینی را علیرغم شاه بر سر کار آورده بود ، به گسترش برنامه های خود ادامه داد ، مواضع جدیدی را فتح کرد و بالاخره فتودال عقب مانده را طوعا و کرها وادار به پذیرفتن واقیعات ه نمود . در اینجا بود که عقب ماندگان سراسیمه به میدان آمدند و بسیاری از مواضع را اشغال شده یافتند . مبارزه این عقب ماندگان موشیار شده ، این همزار فامیل اصل و نسب دار(۱) ، باییش افتادگان موشیار بی اصل و نسب ، ضمون مبارزه درونی طبقه حاکمه در دو دهه گذشته است .

ما در گذشته به مسئله وحدت و تضاد انحصارات امپریالیستی و انعکاس آن در ایران پرداخته ایم و توضیح مجدد آنرا در اینجا ضروری نمیدانیم . تنها نکته قابل ذکر در اینجا اینست که در ایران جدالها نیز ، بمقتضای شرایط خاص اقتصادی و سیاسی ایران ، چهاره ویژه ای بخود میگیرد . فاشیسم آریامهری تنها در مقابله با خلق نیست که به قهر متوسل میشود ، بلکه در قبال متحدین خود نیز بهمان شیوه توسل میجوید . اگر در کشورهای سرمایه داری پیشرفته مبارزه جناحهای طبقه حاکمه ، در زو پندهای انتخاباتی و قوانین و مصوبات خود می نمایاند ، فاشیسم آریامهری این شیوهها را ه سمت عصرانه ه میخواند . برای فاشیسم فقط یک راه برای حل همه تضادها وجود دارد و آنهم قهر عیان و خشونت بی پرده است .

بهرحال همانطور که گفتیم مجموعه عوامل تورم از وضع را از نظر توده غیر قابل تصمیم کرده بود . باید تدبیری میشد . مسئله رژیم این بود که چگونه با یک تیر چند نشان بزند و چند مشکل را با یک تدبیر حل کند . البته ممکن نبود که در مقابله با تورم از میزبان و شدت استثمار کاست ، ممکن نبود که اقتصاد دیناری از سواید هنگفت خود - ولو بعنوان ه وجدان آگاه ه سرمایه داری - صرفنظر کرد ، و توده را نیز نمیشد بهین حال نگاه داشت . بالاخره راهی اندیشیده شد که بفرازان آریامهری همه این مسائل - و بسورت موقت - حل شویند ، پس از شدت آنها کاسته شود . تخفیف تورم اجباری بود ،

ترتیب مرحله جدیدی در تهاجم امپریالیستی به آسیا آغاز میشود . در این مرحله سمت غربی اقیانوس هند و در قلب آن ایرا به گائون تضاد های امپریالیزم و خلقهای منطقه تبدیل میشود . از این قرار بدون جهت نیست که رژیم های ارتجاعی منطقه و در راس آنها رژیم مزدور شاه ه تحت رهبری مستقیم امپریالیزم آمریکا اکنون به سرعت هر چه بیشتر به سرکوب خونین و جهت دار مردم منطقه مشغول شده اند .

علیات انقلابیون ما در صحنه ۳۱ اردیبهشت به امپریالیستهای آمریکائی و مزدوران ایرانی شان شاه و طبقه حاکم نشان داد که در این مرحله جدید چگونه از آنها و نقشه های مژرانه جدیدشان استقبال میشود ! اینک امپریالیستهای آمریکائی باید بدانند که خلق ما جاره آشتی ناپذیر خود را علیه دیکتاتوری و ظلم و استثمار شاه و دیگر مزدوران طبقه حاکم در ایران آغاز کرده است . امپریالیستها و توکران داخلی آنها باید بدانند که اگر خلق کبیر ویتنام ۳۰ سال پیگیرانه جنگید تا آزادی و استقلال خود را بدست آورد اکنون ما حاضریم ۱۰۰ سال جنگیم . اگر امپریالیزم تا گردن در درو اهبای ویتنام و هند و چین فرو رفت ه ما حاضریم تا نرق سر او را در گرد اهبای اقیانوس هند فرو بریم !! آری خلق های غرب آسیا گورستان فراختری را برای امپریالیزم و تمام دست نشاندگان محلی آن تدارک دیده اند !

* * * * *

ای توده های عظیم خلق ما ! کارگران - دهقانان - روشنگران - روحانیون - پیشه وران - بازاریان - دانشجویان و دانش آموزان زنان و مردان انقلابی !

امپریالیستهای آمریکائی و رژیم شاه جنایتکار بزرگترین دشمنان مردم رنج دیده ما و خلقهای تحت ستم منطقه هستند . آنها هر روز توطئه های بزرگتری را برای سرکوب مبارزات مردم ما و خلق منطقه تدارک می بینند . آنها همان کسانی هستند که هم اکنون شماره عظیمی از نرزدان راستین و مبارزها را در سباصجالیهای ساواک و شهرهای در حالیکه به تخته شلاق بسته شده اند و بدنهایشان با اجاق برقی و شوک الکتریکی سوخته است به بند کشیده اند . آنها کسانی هستند که دیکتاتوری سپاه شاه جنایتکار را بر پا نگاه داشته اند و به ایشان و قاتلان سازمان امنیت شاه اجازه داده اند تا ایران را به یک زندان بزرگ تبدیل کنند . آنها کسانی هستند که چون زالونخون شما مردم زحمتکش ایران را می کند و ضایع ثروت طبیعی شما را غارت میکنند .

توده های مبارز و زحمتکش ما ! جاره انقلابی خود را علیه دیکتاتوری شاه جنایتکار و سلسله امپریالیزم آمریکایر صیمنان شدت بخشید . در حول سازمانهای صلح پیشواز تشکیل شدید و مبارزه خود را در تحت چنین تشکیلی تا نابودی کامل دشمن ه شاه و اربابان آمریکائیتیر ، به انجام برسانید .

نابود باد دیکتاتوری شاه جنایتکار سقه زنجیری آمریکای
پر توان تر باد دستان انتقام گیر فرزندان انقلابی خلق
نابود باد نفوذ سلسله طلبان امپریالیزم آمریکا در منطقه

* سازمان مجاهدین خلق ایران *

۵۴ / ۳ / ۱

او در تحقیق توده نمیتواند ، آنها برایش به موجب انجام دهند . زهمه های مشغول کننده - و حتی آنجا که آگاهانه است خانانته - دال بر مستقل بودن شاه از قدرتهای جهانی . لاجرم ادامه خود را در مستقل بودن شاه از سرمایه داران می یابد و این البته درست همان است که شاه انتظار داشت . بجای توضیح واقیعات به خلق ، توجیهی بسرائی ادعاهای گنایانه سیاست بازان یافتن ، چاره ای بجز سقوط باین منجیلاب سر در گمی ویر نهایت غسرق شدن در گرداب خیانت نمیداشت . و این هم در مورد آنهاهی صادق است که آنقدر بسیط و ساده لوحند که بزودی به بازی گرفته میشوند و هم آنانی که علاوه بر حماقت ، معرض هم هستند . هدف دیگر رژیم سرکشیه کردن خرده بورژوازی است . سرمایه در جهت تکامل و گسترش خود هم باعث بوجود آمدن قشر خرده بورژوا میشود و هم دائما این قشر را تهدید به نابودی و ورشکستگی و بیوستن به اردوی فروشندگان

ولی این تخفیف باید به قیمت ضربه به منافع جناح دیگر تامین میشد و نه به جناح خودی . برای شاه تصور کم کردن یک دینار از عوایدش ممکن نبود . ولی اگر این دینار از ثابت پاسالها کم میشد ، هم خطر انفجار کاهش می یافت و هم در مبارزه طولانی حریفها . ضربه کاری به رقیب وارد می آمد . این تیزی بود که به دو نشان میخورد ، علاوه بر آن خیال شاه منظور های دیگری را نیز بر آورده میکرد . از جمله این هدفها یکی تحقیق توده و ایجاد توهم مبنی بر حمایت شاه از مردم در مقابل ثروتمندان بود . و در این کار شاه البته چشم امید علاوه بر دستگاه تبلیغاتی خود به دست و دهان آن مخالفین ، بیبوی خویش داشت که باز مانند همیشه در مقابل یک مانور ساده ، گیج و مبهوت و هاج و واج میمانند و ناگهان بر ته دلشان تردیدی پیدا میشود که نکند شاه علاوه بر مستقل شدن سوسیالیست هم شده باشد ، چون ثابت پاسالها را میکرد . به دهن بسیط این مخالفین ، است که شاه امید می بندد تا کاری را که خود

بقیه گرانفروشی...

فرزندان راستین خلق

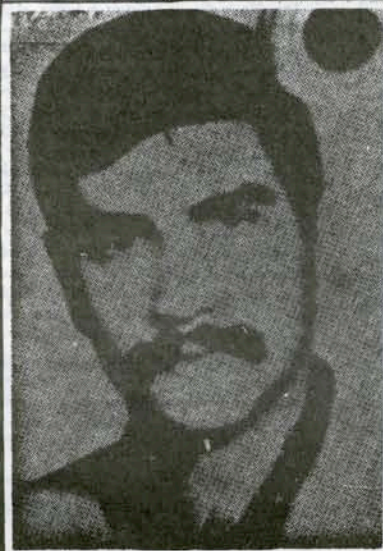
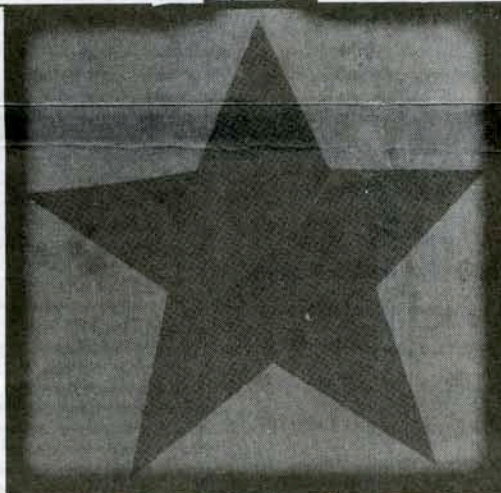
بناسبت دومین سالگرد شهادت رفیق قهرمان ایرج سهری (ابو سعید)
و دو بزرگداشت چهار چویک فدائی خلق از خانواده پر شکوه سهری



رفیق سیروس سهری



رفیق ایرج سهری



رفیق فرهاد سهری



رفیق فرخ سهری

نیروی کار میکند . همانطور که در گذشته گفته‌ایم از بרכת تکامل سرمایه‌داری و بازاریابی امپریالیستی در ایران ، قشر مرفهی از خرده بورژواهای نو دولت و تازه یا بوجود آمده است که رژیم هم بعنوان یک نیروی سیاسی سه همکاری و مساعدت آنان نیاز دارد و هم بعنوان نماینده سرمایه داری بزرگ در تضاد با آنان قرار داشته و آنها را سوسی قطبی شدن میراند . در جریان این چاره اندیشی آریامهری فشار زیادی به این قشر (و نیز قشر خرده بورژوازی سنتسی) وارد آمد . چریه های کلان و حبس و تبعید هزاران نفر از نمایندگان خرده بورژوازی ، بدون تردید این پروسه قطبی شدن را تسریع میکند ، قسمت اعظم آنها را از مختصر سرمایه ای که اندوخته جدا میکند ، و آن سرمایه را به انبوه سرمایه متراکم در دست بورژوازی اضافه مینماید .

مسئله خروج پول از گردش نیز یکی دیگر از هدفهای رژیم برای مقابله موقت با تورم است . خرج مبالغ هنگفت پول در کشور ، بدون ازنیاد متناسب تولیدات ، همانطور که گفته شد یکی از علل تورم است . رژیم در گذشته سعی داشته است که با سرکشی کردن مردم بعنوان باج سیبل برای جشن های شاهانه و سایر ولخرجی ها ، تا اندازه ای از اثرات مضر تورمی این هوسبازی ها بکاهد . ولی همیشه جریان باین صورت بوده است که حد و اندازه این شاهبازیها از محدوده توانائی کیسه خلاق بیشتر بوده و بدنبال خود تورم را تشدید کرده است . این بار رژیم میخواهد که با اخذ

چریه‌هایی که جمعا سر به میلیاردها دلار میزند بازار داغ پول را کمی سرد کند ، و نیز با لغو پاره‌ای از برنامه‌های عمرانی ، از حجم پول موجود در گردش بکاهد .

نتیجه این تدابیر از هم اکنون آشکار است . ضربی‌ای که به جناح وابستگان انحصارات غیر نظامی امپریالیستی یا سرمایه داران نودولت ، بنفع جناح فنود الهای سابق و سرمایه داران امروزی ، هزار فامیل ، یا وابستگان انحصارات نظامی و نفتی وارد شده ، با وجودی که برای آنها دردناک است ولی کاری نیست . و این مبارزه در شکرها و صور مختلف ادامه خواهد یافت .

خلق تحقیق نخواهد شد چون سواي های و هوی های انقلابی شاه و بگیر و ببندهای بزرگان ، واقعات ملموس زندگی باو خواهد آموخت که این دعوی خودشان است . باری از دوش او برداشته نخواهد شد زندگی مشقت بارش مرفه تر نخواهد گردید . و در این میان بجز آنها که طالب تحقیق اند کسی فریب نخواهد خورد .

خرده بورژوازی گامی فزاینده در جهت قطبی شدن بر میدارد ولی البته هنوز تحت توهمات و تزلزلات ماهوی خود باقی میماند .

خروج پول از گردش باعث سقوط جزئی و موقت قیمت‌ها خواهد شد ولی بتدریج که این پول راه خود را به کیسه سرمایه‌داران بزرگ می یابد ، باز قیمت ها - و با شدت بیشتری - بالا خواهند رفت و مضحکه بنحو دیگری تکرار خواهد شد .

نه تدابیر لیبرال ها و نه فاشیسم آریامهری اینها همه در طول تاریخ بارها تکرار شده اند و بطلان چاره اندیشی های سرمایه داری را ثابت کرده‌اند . تا سرمایه داری وجود دارد آتش همین است و کاسه همین ، بحران از پی بحران ، توطئه از پی توطئه ، و شکست از پی شکست . و در این جریان است که خلق تجربه می اندوزد ، که کارگر از سیستم سرمایه داری شناخت پیدا میکند ، در پی تشکل خود بر می آید ، برچم مبارزه را بدست میگیرد و به پیشقراولان خود می پیوندد . کارگران شجاع نساجی شاهی اینها را با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند . آنها معنای مبارزه با گرانفروشی

آریا مهر را درک کرده‌اند . آنها فهمیده اند که آریامهر گرانفروشی میکند . آنها در کنار میلیونها کارگر و زحمتکش دیگر با توسل به مبارزات اقتصادی و اعتدله آن بحد مبارزات سیاسی ، و بالاخره با پیوند آن با مبارزات سیاسی و ایدئولوژیکی که اکنون بشیوه مبارزه مسلحانه توسط پیش قراولان و متحدین آنها در جریان است گام‌های قطعی را در جهت رهایی خویش بر خواهند داشت . فاشیسم آریا مهری به همه آنها بیش از پیش ثابت خواهد کرد که همه شکلهای مبارزه طبقه کارگر - اقتصادی ، سیاسی و ایدئولوژیکی - باید بطور روز افزونی عمدتا بشیوه قهر آمیز و مسلحانه انجام شوند . در مقابل فاشیسم ، بی سلاح به میدان رفتن ، خشونت را با مدارا جواب گفتن ، و توکر را ارباب خواندن شیوه منفعلان منزلق است ، ومشت را بمشت و گلوله را با گلوله پاسخ دادن ، قهر را با قهر و خشونت را با خشونت جواب دادن ، پیام کارگران شاهی است ، پیام توده‌های میلیونی خلق زحمتکش ماست . پیام پیروزی است .

همه امکانات را در خدمت مبارزه انقلابی زحمتکشان قرار دهیم

اطلاعیه سیاسی - نظامی شماره ۲۲
دوره: ۲۲



اجرای حکم انقلابی

اعدام مستشاران امریکائی

این است پاسخ مابه کشتار وحشیانه فرزندان انقلابی خلق در زندانهای شاه جنایتکار

در ساعت ۶ و ۴ دقیقه با صدای زنگ چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۵۴ همزمان با بازگشت شاه جنایتکار از مسافرت توسط آمیزش به امریکا حکم انتقالی اعدام ۲ تن از مستشاران تجارزکار امریکائی در ایران "سرمنگ شفر" و "سرمنگ دوم ترتر" توسط یک واحد از رزندگان "سازمان مجاهدین خلق ایران" اجرا گردید. انقلابیون ما در حالیکه از وطرف راه را بر اتومبیل حامل سرمنگان بسته بودند بر روی آنها آتش کشیدند. این دو مزدور در اثر آتشباری مجاهدین در کشته شدند. راننده ایرانی دوسرمنگ تجارزکار که دستورات فراموشی عملیات جتی بر عدم مقاومت در مقابل رزندگان ما را بخوبی اطاعت نموده بود بدون اینکه کوچکترین آسیبی ببیند در صحنه عملیات سالم بر جای ماند. بدین ترتیب ما بار دیگر ثابت کردیم که گلوله های ما تنها سینه نیروهای استثمارگر و تجارزکار یعنی دشمنان خلق را نشانه خواهد گرفت. عده ای از مردم و بخصوص تعدادی از کارکنان ساختنی که در آن حدود مشغول کار بودند در صحنه عمل جمع شده و آشکارا از اعدام تجارزکاران امریکائی بدست پیشاتازان انقلابی خلق را می بینند. فضای ما پس از اتمام این واقعه حقیقت علی و بخش اعلا به های توضیحی در میان مردم با فریادهای "مرگ بر شاه جنایتکار" "مرگ بر امپریالیزم امریکائی" "زنده باد انقلاب صلحانه خلق" "صحنه عملیات را ترک کردند و سالم به پایگاههای خویش بازگشتند. در این عملیات اسناد و مدارک کیف دوسرمنگ امریکائی به نفع انقلاب صادره شد که در فرصت مناسب محتویات آن اهدا خواهد شد

سال که تمام راههای قانونی را برای اخذ حقوق قانونی خود مندرجه در آئیننامه های قانونی کار بی نمر می بینند تصمیم میگیرند با اقدامی جسدی رئیس کارخانه را وادار به ترک کارخانه نمایند. لذا تعدادی از کارگران قصد کتلزدن او را میکنند ولی این خبر بعلت نامعلومی بگوش رئیس کارخانه میرسد. رئیس کارخانه بعد از اطلاع کارگران را یک بیک به انبار کارخانه احضار میکند و در آنجا توسط کارگران خود فروخته ای کسه بختتم رئیس کارخانه در آمده و یارو اعتراضات دیگر کارگران کارخانه را خفه کرده اند مورد ضرب و شتم قرار می گیرند. او تعداد کارگرانی که قصد کتلزدن رئیس کارخانه را داشتند چند نفری از واقعه مطلع میگردد لذا به بهانه های مختلف از رفتن به انبار خودداری می نماید و فردای آنروز جلو در کارخانه به کشیک می ایستد و هنگامیکه رئیس کارخانه می خواهد وارد کارخانه شود باو یورش می آورند و بسختی او را کتک میزنند بطوریکه تنها مامورین انتظامی کارخانه موفق به نجات او از دست کارگران می شوند. ولی دست و پای رئیس در این واقعه شکسته شده و بستنی مجروح میشود بطوریکه بعلت وخامت حال او بیمارستان شاهی از بستری کردن زخمی خودداری نموده و نامبرده بلافاصله به تهران منتقل می شود. مامورین رژیم بعد از آن شروع به دستگیری کارگران می کنند ولی تمام

آدرس پستی
P.O. Box 5111 - Moalla, Aden
People's Democratic Republic of Yemen.

آدرس بانکی
National Bank of Yemen
P. D. R. Y., Aden, Steamer point
Account No. 59323

باختر امروز

BAKHTEAR EMROOZ No 67 1975 vol. IV

گزارشی از اعتصاب کارگران در شاهی

کارگران نساجی شماره دو شاهی که خواستار تقسیم سود کارخانه بودند در تاریخ ۷-۵-۷۴ دست به اعتصاب زدند. طبق برآورد مسولین خود کارخانه درسال ۴۱ میلیون تومان سود عاید کارخانه گشته بود که تنها ۱۹ میلیون تومان از این مبلغ میانست هر کارگر تقسیم میشد. با وجود اینکه میبایست هر کارگر با اندازه سه ماه حقوقش بابت سود دریافت نماید ولی آنها حاضر شده بودند حتی کمتر از آن یعنی معادل ۷۵ روز سود دریافت کنند ولی روسای کارخانه با این تقاضا نیز مخالفت کردند. بهمین خاطر کارگران با اعلام اعتصاب در کارخانه مستقر میشوند. بعد از اینکه کارگران شیفتهای بعد به آنان می پیوندند نرس کارخانه میروند و با تهدید خواستار پرداخت مابقی سود میگردد ولی رئیس کارخانه با توسل به حیللهائی چند خود را از دست کارگران خشمگین خلاص نموده و به شهربانی شاهی تلفن میزند که با دخالت مامورین شهربانی اعتصاب کارگران را سرکوب نماید. رئیس شهربانی (سرمنگ امیر سالار) و عده ای از مامورین برای سرکوب اعتصاب وارد کارخانه میشوند و از کارگران می خواهند به سر کار خود برگردند ولی کارگران قبول نکرده و میگویند وزیر کار باید بما جواب بدهد که چرا سود کارخانه درست تقسیم نشده است ما میخواهیم اینرا بدانیم که آیا حرفهای شاه واقعا درست است یا نه. در این موقع رئیس شهربانی یکی از کارگران را زیر مشت و لگد خود میکشد و کارگر مزبور در اثر ضربات وارده کشته میشود. کارگران با خشم و نفرت شدید بسخت رئیس شهربانی حمله برده و با سنگ و چوب بجان رئیس شهربانی و مامورین دیگر میافتند. رئیس شهربانی در اثر اصابت سنگ بر سرش مجروح میگردد و بلافاصله او را به بیمارستان منتقل میکنند و مامورین دیگر نیز از مقابل کارگران خشمگین فرار می نمایند. ولی کارگران ماشین شهربانی را خرد میکنند و مامورین را نیز کتک می زنند بطوریکه اکثرآ در بیمارستان بستری میشوند. کارگران بعد از این واقعه به خیابانها ریخته و در جاده خروجی شاهی به ساری مجتمع میشوند. این جاده که ترافیک زیادی دارد بدین ترتیب بند می آید. کارگران به ماشین آتش نشانی که برای متفرق کردن آنها آمده بود حمله ور شده و تمام شیشه های آنرا می شکند و آنرا واژگون می نمایند و سپس لاستیکهای ماشین را به آتش میکشند و در ضمن اینکار تمام شیشه های پنجره های کارخانه را نیز خرد می نمایند. شهربانی شاهی که از شهربانیهای بابل و آمل و ساری و همچنین از یادگان شیرگاه کمک خواسته و هم علیه کارگران بسیج شده بودند شب از ساعت ۲۰ الی ۲۱ کارخانه را محاصره می نمایند. مامورین برای بیرون کردن کارگران در کارخانه وارد کارخانه میشوند و شروع به تیراندازی در آن میکنند ولی کارگران بر خلاف انتظار مامورین رژیم تسلیم نمیشوند. در این اثنا دانش آموزان شاهی که خود کارگر موقت ایمن کارخانه هستند و یا پدر و مادرشان جزو اعتصابیون بودند و بطور دسته جمعی قصد ورود به کارخانه را میکنند که چند ماشین گاز روسی ژاندارمری جلوی آنها را میگیرد و بدین ترتیب زد و خورد های بین این دانش آموزان و گارد ژاندارمری در میگیرد و محصلین با سنگ به ماشینها حمله ور میشوند بعلت سنگریزی شدن این خیابان امکان استفاده از سنگ فراوان برای دانش آموزان فراهم بوده است دانش آموزان خود در این زدو خورد به ابتکاری دست میزنند از جمله، تیرآمی را وسط خیابان قرار میدهند، تا راه را بر ماشین ژاندارمری ببندند. وقتی ماشین ژاندارمری توقف میکند آن هر طرف به نیروهای ژاندارمری هجوم آورده و با سنگ ماشین را داغان میکنند و عده ای را مجروح می نمایند ولی بعد از اثر تیراندازی مامورین رژیم متفرق میشوند. کارگران درون کارخانه نیز در اثر تیراندازی مامورین از کارخانه بیرون می آیند ولی دست از مقاومت بر نمی دارند بطوریکه همان موقع که قطار سریع السیر گرگان - تهران از شاهی میگذشت شیشه های قطار را با سنگ خرد میکنند. تیراندازی در شهر تا ساعت ۳/۵ الی ۴ با امداد ادامه داشته و باین ترتیب کارخانه به اشغال نیروهای پلیس در می آید. بعد از آن حکومت نظامی آشکار در شهر بر قرار می شود. و اجتماع بیش از دو نفر در شهر ممنوع شده و عده زیادی در این رابطه دستگیر می شوند. تلفات کارگران آنطور که گفته میشود حدود سه نفر کشته و ۷۰-۸۰ نفر مجروح بوده است. در ضمن ۵۰ نفر از کارخانه دستگیر شده اند که در بین آنها ۷۰-۶۰ نفرشان محصل میباشند. از نیروهای سرکوب رژیم نیز حدود ۲۰-۳۰ نفر مجروح شده اند.

اعتصاب کارگران گونی باقی شاهی
کارگران کارخانه گونی باقی شاهی بعد از دو

گسترده باد جنبش رزمنده کارگران ایران